

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی دیدگاه انسان خودشکופا از دیدگاه قرآن کریم و روانشناسی انسانگرا با تاکید بر مدل آبراهام مزلو

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، دوره 2، شماره 3 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

علی محمدی آشنانی - عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن، دانشکده علوم و فنون تهران

محدثه همتیان نجف آبادی - کارشناس ارشد علوم قرآن، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.

خلاصه مقاله:

روانشناسان مکتب انسانگرا به ویژه آبراهام مزلو (Abraham Maslow) محور اساسی رسیدن به خود شکوفایی را، تامین نیازهای گوناگون انسان در مراتب مختلف آن قرار داده اند، قرآن کریم که هدف از خلقت جن و انسان را عبادت، عبودیت و بندگی خداوند معرفی می نماید: (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون) (ذاریات / 56)، با عنایت به ساختار چهار ساحتی جسم، ذهن، روان و روح انسان، افزون بر تامین نیازهای گوناگون فیزیکی و عاطفی که در حقیقت نیازهای متعلقات اوست، آدمی را از نظر روانی، موجودی خودبسند دانسته، او را از نظر روحی تنها نیازمند حضرت حق شناسانده است: یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی (الفاطر/15) بر این اساس، عامل اساسی خودشکوفایی انسانها را ایمان، ذکر و بندگی می شناساند. این مقاله، با روش توصیفی، تحلیلی، به صورت مقایسه ای، به بررسی تطبیقی آراء در دو حوزه تفسیر و روانشناسی انسانگرا پرداخته، این یافته را مدلل می سازد که اگر چه همگرایی، بلکه اشتراکات چشمگیری در میان ویژگی افراد خودشکופا از دیدگاه مزلو با آیات وحیانی وجود دارد، ولی، آموزه های اسلامی از دو جهت کمی و کیفی، با شاخص های مزلو متفاوت است. بدین رو می توان گفت دیدگاه مزلو، از نظر کمی، دچار فقدان جامعیت و در خصوص بخش متعالی انسان، بر مبنای آموزه های وحیانی، دچار نقص در حوزه مراتب است؛ بدان رو که با تامین نیاز اساسی انسان به وسیله ایمان به خداوند، این مراتب در تامین نیازها و زمینه سازی برای خودشکوفایی در انسان، هیچ نقشی ایفا نمی کند.

کلمات کلیدی:

قرآن، خودشکوفایی، روانشناسی انسانگرا، آبراهام مزلو

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/984848>

